

فقر احق می کند

درباره بازتابی پدران بی دست و پا در دو فیلم رها و کاناپه



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

چندروز پیش و در میانه دیدن فیلم «رها» ناگهان به یاد فیلم «کاناپه» افتادم و وجه مشترکی در هر دو فیلم ذهنم را به خود مشغول کرد؛ بازتابی حقیرانه و گاه اعصاب خردکنی که هر دو فیلم از پدر داشته‌اند. پدرانی که نقش آنها را فرهاد آنیش و شهاب حسینی بازی کرده‌اند و تشخیص اینکه آنها چه کاراکتری دارند، کمی هم دشوار است. ساده‌تر بگویم، آدم نمی‌داند آنها را بی‌شعور بداند یا بیچاره، گرفتار و درمانده بداند یا لایق و بی‌توجه، مشنگ بداند یا بی‌مسئولیت. هر چه هست، پیامد نهایی تصمیم‌های به‌ظاهر دلسوزانه اما خطای آنها، فاجعه‌بار است. فیلم‌ها را که ببینید، باید مدام حرص بخورید از دست‌شان که انگار در فهم بدیهیات نیز می‌لنگند و بسیاری از مواقع بیننده احساس می‌کند نبودشان بهتر از بودشان است؛ از بس گیج می‌زنند و به کارهای احمقانه دست می‌زنند. خیلی وقت‌ها حس می‌کنی عاری از کوچکترین عزت‌نفسی هستند و بعضی مواقع دلت به حال خراب آنها و جیب خالی‌شان می‌سوزد. همسر و فرزندانشان آنها هم از دست‌شان شکرانند. نه تکیه‌گاهی مطمئن هستند برای همسران خانه‌دارشان، نه تکیه‌گاهی غرورآفرین برای بچه‌ها. بیچاره بچه‌ها خیلی وقت‌ها باید عصای دست این پدران شوند و خرابکاری‌هایشان را توجیه یا رفع و رجوع کنند. این دو فیلم در فاصله زمانی یک‌دهه‌ای ساخته شده‌اند. در این یک دهه وضع اقتصادی مملکت خراب‌تر و سفره مردم هم تهی‌تر شده است. باین همه هروری سریع به یاد آورد که چگونه محمود شاهر طویلی در فیلم «زیر پوست شهر» هم حرص درآورد و بی‌تدبیر بود و همه را با همدستی پسر بلندپروازش خانه‌خراب کرد. اصلاً چرا راه دور برویم. لابد فراموش نکرده‌اید که در «برادران لیل» هم اسماعیل جوراب‌پوشی، پدری که نقش اش را سعید پورصمیمی بازی می‌کرد، چطور بابت هیچ‌وچیز بزرگ فامیل شدن، چشم‌اش را بر رویاهای معمولی دختر و پسرانش بست و با لجبازی اعجاب‌برانگیز، خودش و خانواده‌اش را نیست و نابود کرد. توحید در «رها» و هوشنگ در «کاناپه» اما پیچیده‌تر هستند. هر دو شکل‌هایی آبرومند داشته‌اند، به قول معروف نان حلال خورده‌اند، اما خب بارشان به زمین افتاده یا بر زمین مانده. دخل و خرج‌شان خوانده و اینک واقعیت زشت فقر، روح و روان‌شان را مثل خوره خورده و روح‌شان را گوشه‌ریزنگ گیر انداخته. این است که دل‌شان می‌خواهد شادی و رفاه خانواده را فراهم کنند، اما خب تدابیرشان کارگر که نمی‌افتد هیچ. بدتر مایه مصیبت عظیم می‌شود. آنها را البته می‌شود با ده صفت زشت و بر خورنده توصیف کرد، اما در مقام تحلیل بهتر است آنها را مصادیقی از همان واقعیتی بدانیم که اساتید اقتصاد و روانشناسی دانشگاه هاروارد، سندنیل مولاینین و الدار شفیر در کتابی که در سال ۲۰۱۳ نوشتند، بدان پرداختند: «فقر احق می‌کند». یافته‌های این دو نفر نشان می‌دهد، فقر می‌تواند هوش سیال انسان را که منبعی کلیدی برای پیدایش اطلاعات و تصمیم‌گیری است، تحت‌تأثیر قرار دهد و ظرفیت ذهنی یا همان پهنای باند آدم را کاهش دهد: «کمبایی تیزبینی مان را کاهش می‌دهد، افکار نوظهور همان را کمتر می‌کند و باعث می‌شود کنترل کمتری روی خود داشته باشیم.» همین‌ها باعث اتخاذ تصمیم‌های نادرست‌بیشتر و تداوم فقر آدم‌های فقیر می‌شود و بدین ترتیب چشم باز می‌کنی و خود را سرگردان در دور باطل فقر می‌یابی. اگر با همین پیشفرض که «فقر احق می‌کند» به توحید و هوشنگ بنگریم، آنگاه شاید در قضاوت‌های مان نسبت به آنها کمی احتیاط به خرج بدهیم. این البته به معنای انکار خطاهای آنها نیست، بلکه فقط در پی تحلیل چرایی این خطاهاست و اینکه بعضی وقت‌ها واقعاً دست زدن به برخی تصمیم‌های اشتباه، به‌طور دقیق دست خود آدم‌ها نیست. هوشنگ در همان آغاز فیلم می‌توانست به‌راحتی کاناپه را به آن آقای صاحب وانت بار بفروشد و با افزودن مبلغی بدهان، کاناپه‌ای نو بخرد. او اما تصمیم اشتباه را گرفت و بعدتر هم چوب را خورد هم بیاز را، تازه پول هم داد. توحید هم با شرطی شدن روی خرید کالاهای اسقاطی در عمل، زندگی خودش و خانواده‌اش را فلج کرد. مخلص کلام، این پدران بی‌دست‌وپا، لاج‌درآر هستند اما مقصر اصلی نیستند. گفتنی در این مملکت شکل گرفته که موفق بودن را مساوی پولدار بودن می‌داند و پولدار نبودن را نتیجه کم‌عقلی، تنبلی و هزار جور زدیلت دیگر که انگار فقط در وجود فقرا رخنه کرده است. این روایت، اگر هم کاملاً خطا نباشد، حتماً ناقص است و باید آن را با ایده «فقر احق می‌کند» تکمیل کرد. در آن صورت لااقل هانفرد که حرص می‌خوریم از ندانم کاری پدران ایرانی، چشم‌مان را بر مسبان چرخه‌های فرساز در جامعه نیز می‌بندیم؛ چرخه‌هایی که هر آدمی را از حیثیت انسانی خویش می‌تواند تهی کند.

۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

تلفن روابط عمومی: ۰۸۸۷۴۹۳۰۰، تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱، آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷، نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
لیتوگرافی و چاپ: هممیهن. تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴، توزیع: نشر گستر امروز نوین. تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریا سچی

مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی

سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی

دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)

علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)

مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری

مدیر هنری: مهدی قربانی تبار

هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی



تکس: varzesh3

روزهای خشم و هیاهو

بررسی جنجالی‌ترین هفته تاریخ لیگ برتر فوتبال ایران



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

تصور این بود که با مشخص شدن قهرمان لیگ برتر، حواشی فوتبال ایران فروکش کند اما شاید بدبین‌ترین هوادار فوتبال هم فکرش را نمی‌کرد که هفته بیست‌ونهم و ماقبل پایانی با جنجال‌های کم‌نظیری همراه باشد که پای پلیس هم به ماجرا باز شود. در دیدار خیبر خرم‌آباد و پرسپولیس، بازیکنان سرخیوشان بیش از ۱۲۰ دقیقه با رکیک‌ترین فحاشی‌ها و پرتاب سنگ و بطری بدرقه شدند. در تقابل نه‌چندان حساس تراکتور و نساجی هم که شش گل را در پی داشت، بازیکنان با یکدیگر درگیر شدند و در شرایطی که قرار بود این مسابقه بدون حضور تماشاگران برگزار شود اما با ظرفیت کامل بلیت‌فروشی شد. از طرف دیگر، مالک باشگاه نساجی عقیده دارد تیم‌اش قطعاً در لیگ برتر می‌ماند و مس‌رفسنجان باید به دلیل فساد رخ داده به دسته پایین‌تر سقوط کند؛ موضوعی که البته نمی‌توان با قطعیت در موردش صحبت کرد. در این گزارش قصد داریم یکی از جنجالی‌ترین هفته‌های تاریخ لیگ برتر را مرور کنیم.

سه امتیاز در باران سنگ و فحاشی

پرسپولیس‌ها در حالی به شهر خرم‌آباد سفر کردند که امید چندانی به کسب سهمیه لیگ نخبان نداشتند اما با تساوی هوادار مقابل سپاهان امید این تیم بیش از پیش افزایش یافت. از دو ساعت قبل از شروع مسابقه برخی هواداران تیم خیبر با رکیک‌ترین فحاشی که البته همگی سازمان‌یافته از سوی لیدرهای رسمی این باشگاه بود، علیه علی علیپور شعار دادند و به سمت این بازیکن سنگ زدند. از طرف دیگر بعد از سوت پایان مسابقه نیز بازیکنان در مقابل به مالک باشگاه خیبر به نام امیر کیامنش که پیش‌تر نیز سابقه محرومیت از سوی کمیته انضباطی را دارد، به سمت افشین پیروانی حمله‌ور شد و به ایشان آسیب زد. امیر کیامنش لحظاتی بعد از اینکه پیروانی را مصدوم کرد، از سوی نیروی انتظامی بازداشت شد که عکس آن نیز در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شد. پرسپولیس همانند دیدار رفت، از خیبر گل خورد اما بازم در نیمه‌های موفق شد دو بار گلزنی کند و به برتری برسد. بی‌نظمی مطلق در برگزاری این مسابقه موضوعی است که مدیران باشگاه پرسپولیس، از ساعات‌ها قبل به مسئولان برگزاری، هشدار داده بودند که با بی‌تفاوتی و عبور از این نکات، بازی به جنجال کشید. اعضای باشگاه پرسپولیس بیش از ۶۰ دقیقه در رختکن ماندند تا جوورزنگ‌ها و البته وضعیت خروج از این وضعیت برای رسیدن به اتوبوس، ایده‌آل شود.

استقلال درگیر جام حذفی و شبکه نسیم

تیم فوتبال استقلال بعد از اخراج بوژوویچ و روی کار آمدن مجتبی جباری، نتایج به نسبت بهتری کسب کرده است. پیروزی ۵ بر یک این تیم مقابل آلومینیوم اراک باعث شد تا هواداران این تیم به آینده استقلال امیدوار شوند اما دیدار سرد و کسل‌کننده مقابل چادرملو نشان داد که این تیم همچنان خیلی کار دارد تا به شرایط سابق خود بازگردد. مجتبی جباری بعد از تساوی مقابل چادرملو اعلام کرد تمام تمرکز ارکان باشگاه روی جام حذفی است تا بتوانند با قهرمانی در این جام سهمیه سطح دو رقابت‌های آسیایی با همان لیگ قهرمانان آسیا را کسب کنند. از نکاتی که در آن صحبت‌های جباری از سوی رسانه‌ها و کانال‌های پرسپولیس‌سی خیلی بولد شد، توضیح ایشان در خصوص استفاده از نفرت جایگزین مقابل سپاهان بود. جباری توضیح داد احتمالاً به برخی بازیکنان اصلی مقابل سپاهان استراحت می‌دهد تا در دیدار جام حذفی آمادگی خود را حفظ کنند. باتوجه به اینکه پرسپولیس نیاز مبرمی به سه امتیاز مقابل هوادار و البته توقف سپاهان مقابل استقلال دارد، این صحبت جباری کمی حاشیه‌ساز شده است. استقلال در صورت شکست

مقابل سپاهان و البته پیروزی سه تیم بالاتر از خودش به رتبه یازدهم لیگ سقوط می‌کند که یکی از بدترین رتبه‌های این تیم طی یک دهه اخیر لقب خواهد گرفت. یکی دیگر از حواشی این دیدار، در فضای مجازی شکل گرفت، جایی که صداوسیما اعلام کرد مسابقه استقلال با چادرملو از شبکه سرگرمی نسیم پخش می‌شود. این موضوع با اعتراض باشگاه استقلال همراه شد اما تأثیری در تصمیم‌گیری صداوسیما نداشت. از طرف دیگر آذری جهرمی، وزیر ارتباطات دولت حسن روحانی نیز با انتشار یک پست باورنکردنی که حاوی کری‌های سنگین استادبومی بود، به استقلال تیکه سنگینی انداخت که با واکنش تاجرنیا، نماینده هلدینگ خلیج فارس همراه شد. رسانه‌های مختلف با یادداشت‌هایی این پست تلگرامی آذری جهرمی را دور از شأن یک وزیر هر چند سابق دانستند.

آرایی که بعد از قهرمانی هم نیامد!

تراکتور سه هفته قبل از پایان فصل موفق به کسب عنوان قهرمانی در لیگ برتر شد. این تیم بعد از ۵۴ سال اولین بار توانست در لیگ برتر ایران به این رتبه برسد تا در تاریخ باشگاه تبریزی چنین افتخاری سرانجام ثبت شود اما سوال‌های بسیاری در ذهن مخاطبان فوتبال قرار دارد که هنوز پاسخی از سوی یک مقام مسئول داده نشده است. علیرضا بیرانوند که از سوی کمیته انضباطی به دلیل فسخ غیرقانونی با باشگاه پرسپولیس با چهار ماه محرومیت روبه‌رو شده بود، در کمیته استیناف بیش از ۸ ماه است که این پرونده بررسی نمی‌شود و رأی آن نیز به تبع آن اعلام نشده است. این در حالی است که فسخ غیرقانونی بیرانوند قبل از شروع این فصل رخ داده، ولی حالا با پایان لیگ همچنان رأی آن از سوی کمیته استیناف صادر نمی‌شود. از طرف دیگر، مالک باشگاه تراکتور بارها رئیس فدراسیون فوتبال را به شکلی علنی تهدید به افساگری کرد و حتی گفت، اگر این رأی علیه بیرانوند باشد، تاگفته‌های بسیاری را علیه مهدی تاج به زبان خواهد آورد اما بازم هم این تهدیدها از سوی هیچ نهاد یا ارگانی پاسخ داده نشد که یک فرد چطور و با چه قدرت و امتیازی می‌تواند رئیس فدراسیون فوتبال یک کشور را به این شکل علنی تهدید کند. کمیته اخلاق مالک باشگاه تراکتور را احضار کرد اما ایشان گفت، به هیچ عنوان در جلسه کمیته اخلاق حضور نخواهد یافت. حضور نیافتن مالک باشگاه تراکتور طبعاً باید محرومیتی برای او در پی می‌داشت، اما این اتفاق نیز رخ نداد. رفتار دور از شأن شجاع خلیل‌زاده مقابل هواداران چادرملو نیز هم «مصدومیت کسه‌اله‌ران» تعبیر شد تا این محرومیت هم به شکل مسابقه‌ای نادیده گرفته شود. اوج کار اما زمانی بود که براساس حکم کمیته استیناف اعلام شده بود، دیدار نساجی و تراکتور در لیگ برتر باید بدون حضور تماشاگر برگزار شود اما تراکتور با فروش بلیت ۷۰ هزار نفری، ورزشگاه را پر کرد. در واقع حتی وقتی حکمی هم ابلاغ می‌شود، می‌تواند از سوی برخی نادیده گرفته شود.

نساجی می‌ماند و مس سقوط می‌کند!

بعد از حتمی شدن سقوط نساجی مازندران به دسته پایین‌تر با تساوی مقابل تراکتور، حدادیان مالک باشگاه نساجی رسماً اعلام کرد، پیگیری پرونده فساد مس‌رفسنجان است تا نتیجه این پرونده مشخص شود. حدادیان معتقد است، وقتی فساد این باشگاه مسجل شده طبعاً باید مسی‌ها به دسته پایین‌تر سقوط کنند و نساجی در لیگ برتر باقی بماند. حدادیان حتی در جمع بازیکنان این تیم اعلام کرده، در هفته پایانی نهایت تلاش‌شان را بکنند تا در صورت کسر ۶ امتیاز از مس‌رفسنجان، فاصله امتیازی نساجی با مس کاهش یافته تا آنها در لیگ برتر باقی بمانند.

باید دید در هفته سسی ام آیا پرسپولیس می‌تواند سپاهان را مهار کند یا استقلال با استفاده از ترکیب دوم، مقابل نماینده اصفهان شکست می‌خورد تا به لیگ نخبان برود. از طرف دیگر باید دید مالک باشگاه نساجی می‌تواند سرنوشت پرونده فساد در باشگاه مس‌رفسنجان را به سرانجام برساند و رأی نهایی را بگیرد یا خیر.

چهره

مرگ پیشکسوت تئاتر خراسان

علی حریری، از هنرمندان پیشکسوت و چهره‌های ماندگار تئاتر، متولد سال ۱۳۳۱ در مشهد بود و فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۴۹ با حضور در مرکز آموزش تئاتر زیر نظر محمدعلی لطفی مقدم آغاز کرد. حریری پس از گذراندن دوره‌های آموزشی، نخستین بار در نمایش «افعی طلایی» نوشته علی نصیریان، به کارگردانی لطفی مقدم به ایفای نقش پرداخت. او سپس به گروه تئاتر «نیما» به سرپرستی زنده‌یاد فریدون صلاحی پیوست و در مجموعه‌ای از نمایش‌های شاخص ایفای نقش کرد. از جمله آثار برجسته او می‌توان به نمایش‌های «عصمت» به نویسندگی رضا صابری و کارگردانی داریوش ارجمند، «حالت چطور مش رحیم» و «گلدونه خانم» نوشته اسماعیل خلیج با کارگردانی لطفی مقدم به ایفای نقش پرداخت. او سپس به گروه تئاتر «نیما» به سرپرستی زنده‌یاد فریدون صلاحی پیوست و در مجموعه‌ای از نمایش‌های شاخص ایفای نقش کرد. از جمله آثار برجسته او می‌توان به نمایش‌های «عصمت» به نویسندگی رضا صابری و کارگردانی داریوش ارجمند، «حالت چطور مش رحیم» و «گلدونه خانم» نوشته اسماعیل خلیج با کارگردانی لطفی مقدم به ایفای نقش پرداخت. او سپس به گروه تئاتر «نیما» به سرپرستی زنده‌یاد فریدون صلاحی پیوست و در مجموعه‌ای از نمایش‌های شاخص ایفای نقش کرد.



کارگردانی مهدی صبغی اشاره کرد. آخرین حضور صحنه‌ای او به نمایش «پری بانو» در مردادماه ۱۳۹۸ بازمی‌گردد؛ اثری که نویسندگی و کارگردانی آن را خود برعهده داشت. علی حریری در ۷۳ سالگی درگذشت.

کتابخانه

مرجعی برای قوم‌شناسان

کتاب «شاخه زرین (جلد دوم) - جادوگری و سیر تطور و ارتقای پادشاهان»، اثر سر جیمز جورج فریزر با ترجمه مانی صالحی علامه و با قیمت ۷۵۰ هزار تومان توسط نشر نیلوفر منتشر شد. کتاب «شاخه زرین» در ۱۲ جلد گردآوری شده و در حال حاضر اولین و دومین جلد از این مجموعه، در نشر نیلوفر به زبان فارسی منتشر شده است. جیمز جورج فریزر کارگرداوری اطلاعات و تألیف «شاخه زرین» را در دهه ۱۸۸۰ میلادی آغاز کرد. زمانی که آفتاب در امپراتوری بریتانیا غروب نمی‌کرد و فریزر می‌توانست از منابع گسترده موجود و از همکاری فرمانداران



شاخه زرین (جلد دوم)

نویسنده: سر جیمز

جورج فریزر

مترجم: مانی

صالحی علامه

انتشارات: نیلوفر

و کارگزاران در مستعمرات بریتانیا در سراسر جهان بهره‌بردار. او از این طریق اطلاعات دست‌اولی را از اقوام بومی و قبایل ابتدایی که در قاره‌های مختلف هنوز به زندگی به شیوه نیاکان خود ادامه می‌دادند، به دست آورد. پس می‌توان گفت «شاخه زرین» در نوع خود اثری بی‌نظیر و تکرارنشدنی است و مرجع ارزشمندی برای قوم‌شناسان، مردم‌شناسان و محققان تاریخ ادیان به‌شمار می‌رود.

تاریخ

زمین‌لرزه قائن



منطقه قائنات به‌ویژه ناحیه شرق قائن از لرزه‌خیزترین نواحی کشور است. در ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ زمین‌لرزه‌ای با بزرگی ۶/۵ ریشتر در گسل اردکول رخ داد که با خسارت‌هایی در منطقه زیرکوه

قائن همراه شد. در تاریخ ۲۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ نیز زمین‌لرزه کوریزان - خواف با بزرگی ۶/۵ ریشتر تکرار شد. در این زلزله دوم، ۴۲۰ نفر کشته شدند. سومین زلزله این ناحیه در ۲۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۶، شهر قائنات در استان خراسان جنوبی با شدت ۷/۳ ریشتر لرزید. این زمین‌لرزه سومین زمین‌لرزه‌ای بود که در سال ۱۳۷۶ با مقیاس بالا در ایران رخ داد. بر اثر این زمین‌لرزه، منطقه بیرجند-قائن ویران شد و ۱۵۶۷ نفر کشته، بیش از ۲۳۰۰ نفر مجروح و ۵۰ هزار نفر آواره شدند. در این زمین‌لرزه ۱۵ هزار واحد مسکونی هم تخریب یا آسیب جدی دید و بخش‌های مهمی از روستاهای این منطقه با تخریب ۱۰۰ درصدی مواجه شدند. برای نمونه، دهستان زیرکوه ۴۶ روستا به‌طور کامل تخریب شد. شدت خسارت ۱۰ میلیون دلاری و تلفات انسانی این زمین‌لرزه به‌حدی بود که سازمان زمین‌شناسی آمریکا زمین‌لرزه قائن را مرگبارترین زمین‌لرزه سال ۱۹۹۷ توصیف کرد.